

ما باید مجدداً به طبیعت بازگردیم

گفتگو با دکتر اسماعیل کهرم

ایرانی می‌ماند. این فرش از هزاران نخ و میلیون‌ها گره تشکیل شده، حال اگر یک نخ از این فرش را بکشیم تاثیری در فرش ندارد، اما اگر ۱۰۰۰ رشته از آن را بکشیم، فرش سوراخ می‌شود. این فرش جهان ما است و این تاروپود حیات‌وحش ما را تشکیل می‌دهد. ما ۵۱۷ گونه پرنده داریم، ۱۶۲ گونه پستاندار و ۹۳ گونه دوزیست. ما باید برای این‌ها برنامه‌ریزی و تبلیغ داشته باشیم تا توریست بیاید و آن‌ها را ببیند.

جایگاه ایران در جهان در زمینه حیات‌وحش چگونه است؟

اگر مردم ما متوجه نیستند تقصیر ماست، ما چند گونه روباه در ایران داریم، ما تمساح و کروکودیل و همچنین گونه منحصر به فردی از پستانداران را در ایران داریم. ما ۴ نوع روباه داریم. شاه‌روبه از زیباترین جانوران است که همچون نقاشی می‌ماند. بنابراین اگر مردم ما آگاهی ندارند، یک مقدار کم کاری از طرف ما است و یک مقدار هم از طرف رسانه‌ها که باعث شده‌اند که این گونه‌ها تاکنون ناشناخته باقی مانده‌اند.

دکتر اسماعیل کهرم، پرنده‌شناس و استاد دانشگاه، فعالیت‌های زیادی در زمینه حیات‌وحش ایران انجام داده است. وی خود را شکاربان معرفی می‌کند و معتقد است که حیات‌وحش ایران چیزی از حیات‌وحش کشورهای دیگر کم ندارد. با او به گفتگویی نشستیم که خواندن آن برای شما خالی از لطف نیست.

به نظر شما حیات‌وحش چه اهمیتی برای ایران دارد؟

من با این مسئله که می‌گویند فرهنگ حیات‌وحش در کشور ما جا نیفتاده، موافق نیستم. به نظر من ما از آن فرهنگ جدا شده‌ایم، مثلاً اگر مجسمه‌های چند تنی اسب و شاهین و هما در تخت جمشید یا هنرهای دوران قاجار را نگاه کنیم، متوجه می‌شویم که در تمام این پرده‌دوزی‌ها، فرش‌ها و تمام این آثاری که در موزه‌های دنیا هستند الهام‌گرفته از نقش جانوران و برخی از گیاهان می‌باشند. «هر کسی کو باز ماند از اصل خویش / باز جوید روزگار وصل خویش» ما باید مجدداً به طبیعت بازگردیم. ارتباط ما با طبیعت گسسته شده و راهش این است که همچون کشورهای دیگر یک مزرعه در داخل شهر درست کنیم تا مردم از نزدیک زندگی روستایی و حیوانات دامی را ببینند. راه دیگرش تقویت باغ‌وحش‌ها است که در سراسر دنیا این کار انجام می‌شود و راه سوم سفر است و همچنین با وسایل ارتباط‌جمعی مثل ویدئو، DVD و CD می‌توانیم با سواحل آفریقا ارتباط داشته باشیم. به نظر من حیات‌وحش اساس زندگی ما را تشکیل می‌دهد. این جهانی که در آن زندگی می‌کنیم همچون یک فرش بسیار زیبایی

ما از
کویر مطلق تا
درختزارهای
قدیمی را داریم
و این‌ها باعث
می‌شود تا تنوع
داشته باشیم



یعنی ما از نظر حیات وحش در دنیا کم نداریم؟

اصلا کم نیستیم، مثلا از نظر پرنده‌ها، ۵۱۷ گونه پرنده داریم، خود اروپا این تعداد را ندارد چون ایران دارای زیستگاه‌های مختلفی است. ما از کویر مطلق تا درختزارهای قدیمی را داریم و این‌ها باعث می‌شود تا تنوع داشته باشیم. در پستانداران ۱۶۲ گونه داریم که دو نوع از آن‌ها از بین رفته، یعنی ببر و شیر ایرانی. البته شیر ایرانی در هندوستان هنوز وجود دارد اما در ایران دیگر آن را نداریم. ما هشت نوع گربه داریم که از یوزپلنگ و پلنگ شروع می‌شود تا گربه‌های شنی و گربه جنگلی و کاراکال و... ما از آفریقا هیچ کم نداریم، تنها تفاوت ما در تعداد است که در آفریقا تعداد زیاد اما در ایران کم می‌باشد. اگر با یک دوربین به تانزانیا و اوگاندا برویم گوزن صحرایی به راحتی از جلوی ما رد می‌شود ولی در ایران باید با زحمت زیاد آن را پیدا کنید.

این مسئله به عامل جغرافیایی بستگی دارد یا اینکه از بین رفته‌اند؟

مسئله این است که سه‌چهارم مملکت ما خشک است، یعنی کشور ما ظرفیت نگهداری محدودی دارد و بیشتر مناطق مملکت ما خشک، کویری و کم آب و علف می‌باشد. به همین دلیل محیط زیست ایران آمادگی نگهداری و پذیرایی از این تعداد زیاد را ندارد، در حالی که در آفریقا چمنزارهای بسیار وسیعی وجود دارد که می‌تواند دومیلیون راس گنو داشته باشد یا پنج هزار راس شیر، پنج هزار راس کفتار، ۱۰ هزار راس سگ وحشی، شغال و روباه.

ما باید به طبیعت اجازه بدهیم، اما اگر به همین ترتیب ادامه بدهیم تا آخر دنیا به همین شکل خواهد بود.

به جز یوزپلنگ ایرانی گونه دیگری هم وجود دارد که در حال انقراض باشد؟

بله، گورخر ایرانی و میش مرغ که چهار کشور در دنیا دارند آن هستند و یکی از آن‌ها نیز ما هستیم. تمساح پوزه‌کوتاه ایرانی که در اثر خشکسالی‌ها کم شده اما تا پیش از این ۴۰۰ عدد از آن‌ها را داشتیم ولی در حال حاضر تنها در حدود ۱۱۰ تا ۱۲۰ عدد بیشتر نیستند و همچنین سیاه خروس و کبک دری. این‌ها حیواناتی هستند که در حال انقراض یا کاهش تعداد می‌باشند ولی بعضی از این‌ها را ما نمی‌دانیم مثلا جمعیت روباه شنی را نمی‌دانیم چون این روباه در مناطقی زندگی می‌کند که انسان تقریبا دخالتی ندارد یا گربه شنی را نمی‌دانیم در چه شرایطی است، چون مطالعه‌ای برای آن صورت نگرفته است. سابقه مطالعه ما بر مسئله حیات وحش ۳۰ تا ۳۵ سال بیشتر نیست به این معنا که قبل از سال ۱۳۵۲ تا ۵۳ از آن سابقه‌ای نداریم.

به نظر شما عامل انسانی در این مسئله تأثیری ندارد؟

عامل انسانی در دو جهت تأثیر خود را گذاشته است. یکی اینکه زیستگاه‌ها را تخریب کرده و دوم اینکه شکار کرده. طبیعت ما بیش از این ظرفیت دارد، البته اگر ما دستمان را از طبیعت بیرون بکشیم، طبیعت قدرت خودآحیایی و خودسازی بسیار شدیدی دارد، مثلا در منطقه‌ای که ما دو تا سه آهو داریم، اگر اجازه بدهیم آهو بیاید می‌بینیم که گیاهان زیاد شدند، چون زمین را کود می‌دهند، بعد که آهو آمد روباه به خاطر بچه آهوها می‌آید، بعد شغال می‌آید، بعد یوزپلنگ می‌آید و اکوسیستم تکمیل می‌شود.

این امکان وجود دارد که ما حیوانی را از اروپا یا آفریقا بیاوریم و بومی کنیم؟

خیر، چنین چیزی امکان ندارد. چون این حیوان با آن منطقه غریبه است. چندی پیش همین کار را در دریاچه هامون انجام دادند، ماهی آمور را به این دریاچه ریختند و پس از مدتی ماهی کفور نقره‌ای و کفور خال‌دار که در آنجا بومی بودند، از بین رفتند. اما می‌توانیم معرفی

پروژه‌های علمی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

ما از آفریقا
هیچ کم نداریم،
تنها تفاوت ما در
تعداد است که
در آفریقا تعداد
زیاد اما در ایران
کم

دوباره‌ای انجام دهیم. به طور مثال آهوی معان را که در حال حاضر ناپدید شده اگر جای دیگری داشته باشیم و به آنجا ببریم و رها کنیم، امکان‌پذیر است، اما اگر تمساح را که متعلق به جنوب شرق ایران است به شمال غرب ایران ببریم، هیچ وجهت علمی وجود ندارد.

پس چطور برخی حیوانات را از مناطق مختلف و باغ‌وحش‌ها برای تجدید نسل می‌برند و آنجا زندگی می‌کنند؟

در باغ‌وحش شرایط را در یک محدوده کوچک ایجاد می‌کنند. مثلاً در باغ‌وحش کالیفرنیا پنگوئن هست و آن را از قطب جنوب آورده‌اند و در یک استخر یخ انداخته‌اند و از بالا هم یک دستگاهی یخ را می‌تراشد و تبدیل به ذرات برف می‌کند. این کار را می‌شود در یک محیط کوچک انجام داد. اما در حیات‌وحش نمی‌شود. طبق تعریف IUCN جانوری متعلق به حیات‌وحش محسوب می‌شود که در محوطه وحش بدون دخالت و بدون نیاز به انسان زندگی کند.

آیا در ایران هنوز گونه‌ای وجود دارد که ناشناخته باقی مانده باشد؟

بله، در سال ۱۳۵۲ که ما این کار را شروع کردیم ۴۹۸ گونه شناخته شده بود. اما امروزه ۵۱۷ گونه شناخته شده است. به طور مثال خفاش‌ها ناشناخته هستند، زیرا در غارها زندگی می‌کنند، سمندرها، خزندگان و دوزیستانی هستند که هنوز ناشناخته باقی مانده‌اند. به این معنا که بعید نیست چند سال دیگر کسی که جای من نشسته باشد بگوید که مثلاً ۵۳۷ گونه پرنده داریم و مسئله دیگر این است که حیات‌وحش یک عامل ثابت نیست که بتوانیم راحت مطالعه کنیم. ۲۰ سال پیش مرغ مینا در تهران نبود، بلبل خرما نبود، طوطی طوق‌صورتی نبود، اما امروزه همه این‌ها آمده و خدا می‌داند که ۴۰ سال دیگر اینجا چه خواهد شد.

در مورد صید و شکار چه راه‌کاری دارید؟

من خودم شکار نکردم مگر اینکه برای مطالعه، اما با شکار مخالف نیستم. البته با شکاری موافق هستم که مبنای علمی داشته باشد. اگر مبنای علمی باشد هم آن شکارچی کارش را انجام می‌دهد و هم گونه حفظ می‌شود و تخریب هم انجام نمی‌شود. من با شکار منطقی و حساب‌شده مخالف نیستم، اما با شکار کشی مخالفم.

نقش آموزش و پرورش را در زمینه حیات‌وحش چگونه می‌بینید؟

به نظر من نقش آموزش و پرورش صفر بوده است. من همیشه می‌گویم ما در دانشگاه این پارچه‌هایی را که دیگران دوخته‌اند اتو می‌کنیم. آموزش باید اول از دامن پدر و مادر شروع شود و دوم آموزش و پرورش آن را در سال‌های اولیه ادامه دهد. به نظر من ما از نظر فرهنگی مشکل نداریم، اما چه زمانی در کتاب‌های درسی مدرسه‌های ما از حیات‌وحش صحبتی شده تا آن بچه‌ای که سه‌چهار کلاس سواد دارد، آموزش داده شود.

در حال حاضر مشغول چه کاری هستید؟

درس می‌دهم، چند پروژه در دست دارم، دغدغه اصلی من تالاب انزلی و جنگل ابر است و چند پروژه علمی در ایران و خارج از کشور دارم.

توصیه شما به نشریه طبیعت‌گردی چیست؟

ولی نعمت من مردم هستند. خداوند من را خلق کرده و من فقط خودم را نسبت به آن‌ها مسئول می‌دانم و شما هم نسبت به مردم مسئول هستید. شغل شما خیلی مقدس است، پس برای مردم منتشر کنید و خدا را همیشه در ذهنتان داشته باشید و اگر در جهت فرهنگ‌سازی کار کنید، نامتان جاودانه خواهد ماند.